

فصل چہارم
غزلکی

بره آهو

پلنگ و بره و آهو چند نقطه...؟!
و شاهین و پرستو چند نقطه...؟!

کبوتر با کبوتر باز با باز
و صداها باز با او چند نقطه...؟!

سید حسین سیدی

گذر عمر

گذشت عمر من و تو و هر چه بود گذشت
چه لحظه‌های سپیدی به ما کبود گذشت

بهار آمده امسال هم تمام شده است
هزار و سیصد و هشتاد و یک چه زود گذشت

سید حسین سیدی

خاطره

دوباره باز دلم یاد آن خیابان کرد
و یاد خاطره‌های خوش دبستان کرد

بهار بودم و سرسبز و پاک و بی‌پروا
چرا زمانه مرا این قدر زمستان کرد

سیدحسین سیدی

شکار لحظهٔ تصویر

به عشق جبهه، تو را تیر می‌چکد از دل
میان بیشه، دل شیر می‌چکد از دل

مرا به نغمه داوودیت ببر تا شور
که آیه‌آیه مزامیر می‌چکد از دل

کنار یک عدسی، یک برش، دو دست رها
شکار لحظهٔ تصویر می‌چکد از دل

تو رفتی و گل سرخ شهادتت جوشید
گلاب آیهٔ تطهیر می‌چکد از دل

رضا رجبی (رجا)

روح ملکوتی

ای اشک قطره قطره، امشب بهاری ام کن
آتش گرفته چشمم ای عشق یاری ام کن

امشب به یاد دریا آرام می‌سرایم
با اشک عاشقانه چون رود جاری ام کن

خورشید و ماه رفتند عالم چه بی فروغ است
با یک نگاه روشن آیینه‌کاری ام کن

اندوه بی‌شکبیت در این غروب سنگی
ای اشک شعله شعله، امشب اناری ام کن

سیدمسلم موسوی

جمعه

جمعه آغاز بهاری است که خواهد آمد
مشرق روی نگاری است که خواهد آمد

مردم مانده در آوار ستم تشنه عدل
عدل محتاج سواری است که خواهد آمد

سیدحیدر علوی نژاد